

محمد رضا تاجیک در گفت و گو با «فرهنگستان»

## نیازمند بازگشت به عدالت هستیم

۱۶، ۱۵، ۱۴



برخی اعضای علمی ستاد ملی مبارزه با کرونا در گفت و گو با «فرهنگستان»  
از دلایل ناکارآمدی محدودیت‌های نیمه کاره می‌گویند

# نظر قاطع پزشکان: تعطیل کنید!

معاون سیاسی وزیر کشور در گفت و گو با «فرهنگستان»:

## نمی‌توانیم انتخابات را در همه شعب الکترونیکی برگزار کنیم



حضور دانشجویان جدیدالورود شور بیشتری به فعالیت‌های دانشجویی بخشیده است

## جدیدالورودها یخ تشک‌ها را آب کردند

۸

دکتر داود فیرحی استاد دانشگاه تهران در گذشت

## پروژه نیمه تمام فقه و سیاست

۱۶



یادداشت - ۲

## قصه ورود من به دانشگاه

فرق کرده بود. بالاخره وقتی دانشگاهی، دانشجویی گیرد باید بدانند برای چه می‌گیرند. هر کدام هدف‌های مختلفی تعریف کرده بودند از قبل گفته بودند دانشجویان متفاوتی می‌خواهند. دیگر این حجم از تقاضای دانشگاهی نامتعادل و نامتناسب با داوطلب و دانشگاه نبود. هر دانشگاهی و هر رشته‌ای، بارشته مشابهش در دانشگاه دیگر متفاوت شده است. رشته مدیریت در این دانشگاه به تربیت در عرصه مدیریت محلی می‌پردازد و در آن دانشگاه به عرصه سیاستگذاری رفاهی. معلوم است که دانشجویان شان هم باید فرق داشته باشند. اما دانشجویی که همین جوری از آسمان نمی‌افتد. ۶ سال درس خواندیم اما به نحوی که بدانیم برای چه درس می‌خوانیم و کجا می‌خواهیم برویم. کنکور که برداشته شد، حالا می‌شد از آموزش و پرورش هم خواست که آموزش و پرورش را تغییر دهد. در این مسیر بود که بسیاری از رفقای ما، به‌دستی تشخیص داده بودند که دانشگاه، صرفاً یکی از مسیرهای موفقیت در زندگی است و قرار نیست همه به دانشگاه بروند. مگر کارمند بانک، فروشنده سوپرمارکت، قصاب، آژانس، تعمیرکار، سازنده مبل و... همه نیاز به تحصیل دانشگاهی دارند؟ واقعاً نیاز نیست. معلوم است که مطالعه کردن و یاد گرفتن در همه عمر هم نیازی به دانشگاه رفتن ندارد. اگر کسی هم از استاد دانشگاهی سسوالی دارد که الان از طریق فضای مجازی و... می‌تواند ایشان را بیابد و بیورسد یا با شرکت‌ها و مراکز و موسسات دانشگاهی همکاری کند. درست است که مشکلات اقتصادی و اجتماعی زیادی هنوز باقی است. هنوز سربازی اجباری داریم و هنوز فاصله دستمزدهای مشاغل را می‌بینیم. هنوز مدرک گرایی هست و هنوز خیلی از مشکلات دیگر وجود دارد. اما وقتی که کنکور برداشته شد و دانشگاه‌ها گفتند برای هر کدرشته تحصیلی، چه داوطلبی و با چه شایستگی فردی می‌خواهند، حرکت به سمت تغییر و تحول فراهم می‌شود. حالا تغییر نوع امتحانات، نوع تدریس، هدایت درست تحصیلی و رشد استعدادها را بهتر می‌توانیم مشاهده و مطالبه کنیم. از وقتی دانشگاه‌ها، مسؤلیت‌پذیرتر شدند، آموزش و پرورش هم فرصت تنفس یافت و اکنون «ما» بهتر انتخاب می‌کنیم که آینده خود را از کدام مسیر بسازیم. «من» همان «تو» است. «من» همان «ما» است. قصه «من» هم قصه همه ما فرزندان ایران اسلامی است. اگر قصه‌ها را برای ساخت آینده می‌خواهیم باید آنها را از تصویرپردازی کتاب‌های قصه به ساختارسازی زمینی تبدیل کنیم. این قصه، برای «ما» می‌توانیم «است. ما مجبوریم موفق شویم. و راهی دیگر نداریم.

از وقتی دانشگاه‌ها، مسؤلیت‌پذیرتر شدند، آموزش و پرورش هم فرصت تنفس یافت و اکنون «ما» بهتر انتخاب می‌کنیم که آینده خود را از کدام مسیر بسازیم. امروز اولین روزی است که قرار است ۱۰ اولویت اول برای ورود به دانشگاه را انتخاب کنیم. یک هفته فرصت داریم تا در سامانه سنجش و پذیرش دانشجویان، اولویت‌ها را بازگرداری کنیم. کل کاری که برای ورود به دانشگاه می‌کنیم، همین قدر است. یادم هست که می‌گفتند در گذشته آزمونی به نام کنکور بود؛ معدل هم در کنکورش گذاشته بودند. یادم نیست که ۵۰ یا ۱۰۰ اولویت انتخاب‌رشته برای هر داوطلب بود. خیلی هم مهم نبود که چه رشته‌ای انتخاب کنند؛ نه علاقه و استعداد و نه سابقه تحصیلی و نه هیچ چیز دیگری ملاک نبود. شبیه خطوط تولید کارخانه‌های ماشین‌سازی بود که داوطلب وارد می‌شد، استانداردش می‌کردند و تحویل نظام آموزش عالی می‌دادند. آموزش عالی هم کاری به این نداشت که ورودی‌هایش چیست. الان خیلی فرق کرده است. رئیس‌جمهور جدید با یک طرح جدید آمده بود و در شعارهایش گفت که می‌خواهد این عدالتی را کم کند. ۴ سال وقت داشت تا ایده‌اش را عملیاتی کند. برای همین بود که ایده‌اش را در قالب چند طرح مجزا و مستقل به صورت موازی پیش برد تا در سال چهارم، آنها را به هم وصل کند و نظام سنجش و پذیرش یکپارچه‌ای ایجاد کند. حالا ما رسیده‌ایم و ما کنکور نداریم. شاید همه مقدماتش به‌خوبی فراهم نباشد اما بهتر از کنکور است. بالاخره هر طرح جدیدی، اشکالاتی هم دارد خصوصاً اشکالات اجرایی. ولی دیگر نمی‌شد کنکور را تحمل کرد. باید تغییری رقم می‌خورد. سال‌ها بود که دانش‌آموزان، خانواده‌ها، آموزش و پرورش، آموزش عالی، مجلس، شورای عالی انقلاب فرهنگی، فعالان تعلیم و تربیت و خلاصه همه از کنکور ناراضی بودند اما نمی‌دانم چرا باهم تغییری را رقم نمی‌زدند. همه منتظر «عزم ملی» بودند اما ظاهراً نیازمند یک ایده ساختاری جدید بودیم که بتواند دغدغه‌های درست ذی‌نفعان را با هم آشتی دهد و راه درست را تدریجاً هموار کند. الان همه داوطلبان ورود به دانشگاه، آن همه استرس را کنار گذاشته‌اند. در فرآیند ۶ ساله هدایت تحصیلی، خود، علایق و استعدادهای خود را، ویژگی‌های رشته‌های دانشگاهی را، بازار کار را و دانشگاه‌ها را تا حد خوبی شناخته‌اند؛ البته نه آن هدایت تحصیلی زورکی که بچه‌ها را مجبور می‌کردند تا رشته‌های متوسطه را انتخاب کنند و بعدش رها می‌شدند. دوره جدیدی آمده بود. مدرسه که می‌رفتیم، هر روز برنامه‌ای داشتیم تا شخصیت، توانمندی و علایق خود را محک بزنیم و دنبال کنیم. مدرسه هم آنها را ثبت می‌کرد. الان می‌دانم تا چه میزان برای چه کاری، آگاهی و توانمندی دارم. امتحانات نهایی هم عوض شده است. برایتان نگفتم؟! همه دروس را امتحان سراسری می‌گرفتند ولی نه حافظه محور. یادگیری‌های ما را می‌سنجیدند. مهم نبود که کتاب درسی داریم یا می‌خوانیم؛ مهم آن بود که سرفصل‌های درس را باید امتحان می‌دادیم. مثلاً به جای اینکه تاریخ ادبیات کتاب درسی را حفظ کنیم، فهم تاریخی مادر حوزه ادبیات را می‌سنجیدند. سخت است اما شدنی. این کار باعث شده بود برخی مدارس که توانمندی در خودشان ایجاد می‌کردند، کتاب درسی را حذف کرده و معلمان واقعا معلم می‌شدند. آنها می‌توانستند با بسته‌های منابع، کار کنند و نگران حجم کتاب و حفظ‌اندن آن نباشند.

خلاصه اینکه برخی رشته‌های دانشگاهی هم به ریاضیات بیشتر بهای می‌دادند و برخی به زیست، برخی به فلسفه و برخی به اقتصاد، برخی به بعضی سرفصل‌های ریاضی اهمیت می‌دادند و برخی به سرفصل‌های دیگر. این طور نبود که برای رشته پزشکی یا برق یا معماری درس بخوانیم. معماری دانشگاه تهران هم با معماری دانشگاه سمنان

## بعد از «توافق صلح» توپ در زمین الهام علی‌اف است

آذربایجان و نخجوان را برقرار کنند. این مساله در صورت وقوع، ژئوپلیتیک منطقه را تغییر داده و باعث می‌شد پای ترکیه، گروه‌های تکفیری و دیگران به منطقه باز شود و به تبع آن بی‌ثباتی نیز ادامه پیدا کند. این دو مساله در طول درگیری‌ها همواره نگرانی روسیه و ایران بود. با ادامه درگیری‌ها، تضعیف بیشتر نیروهای ارمنستان و گسترش حضور تکفیری‌ها و عملیات مشکوک شامگاه دوشنبه که با لگد نظامی روسی در نزدیکی نخجوان بر اثر آن سرنگون شد، پیمان صلح با حضور روسیه میان طرفین درگیر به امضا رسید تا توازن منطقه‌ای مدنظر روسیه را ایجاد کند. نکته این توافق به جز تخلیه برخی مناطق و باز شدن کریدورهای خاص این است که مسؤلیت حضور هرگونه گروه‌های تروریستی برعهده دولت آذربایجان خواهد بود. دوم آنکه برخلاف اخبار منتشرشده درباره حضور ترکیه در قریه باغ این تنها نیروهای ارتش روسیه خواهند بود که در منطقه مستقر می‌شوند. علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان ادعا کرده بود قرار است ترکیه نیز نیروهایی را در قالب صلح بان به منطقه اعزام کند که مسکو آن را به شدت رد کرد. طبق توافق صلح کریدور زمینی میان سرزمین اصلی آذربایجان و نخجوان در خاک ارمنستان ایجاد می‌شود که تحت مدیریت دولت ارمنستان ولی تحت نظارت روسیه قرار خواهد داشت. حفاظت از این کریدور زمینی برعهده نیروهای اطلاعاتی و برون مرزی مسکو خواهد بود.

این کریدور با برقراری ارتباط میان آذربایجان و نخجوان بخش بزرگی از بهانه دولت علی‌اف برای ادامه جنگ را از او می‌گیرد. البته آنچه رخ داده عواقبی برای ارمنستان نیز خواهد داشت. دولت غربگرای پاشینیان تضعیف شده و احتمال فروپاشی آن می‌رود. جریان بعدی که در ارمنستان قدرت را در دست خواهد گرفت جریانی ملی‌گرا و نزدیک به روسیه خواهد بود زیرا مردم ارمنستان از اعتماد به غرب پشیمان شده‌اند. شاید جنگ در قفقاز و قریه باغ همچنان آتش زیر خاکستر باقی بماند اما طرفی که احتمال دارد مجدداً در آن بدمد قطعاً دولت باکو خواهد بود. با توافق صلح تمامی بهانه‌ها از دست ائتلافی که علی‌اف با ترکیه و رژیم صهیونیستی تشکیل داده خارج شده است و عملاً خنثی می‌شود. در چنین شرایطی اگر طرفی بخواهد دست به آتش افروزی مجدد بزند آن طرف بازنده خواهد بود. ترکیه بازنده جنگ قریه باغ است. طرح آنکارا بر مبنای تغییر ژئوپلیتیک و حضور بیشتر نیروهای تروریستی بود. آنکارا با ساقط کردن با لگد روسیه در شامگاه دوشنبه از طریق پایگاه‌هایش در نخجوان احتمالاً قصد داشتند طرف افروزی را همچنان زنده کرده و در مسیر امضا و اجرای توافق صلح اختلال کنند تا مسکو وارد مسیر دیگری شود؛ اما روسیه اقدام بسیار هوشمندانه‌ای انجام داد. اگر روال تضعیف بیشتر ارمنستان ادامه پیدا می‌کرد احتمال می‌رفت این کشور بار دیگر با ناامیدی از روسیه با شدت بیشتری به سمت غرب برود، در سوسو دیگر حضور تکفیری‌ها و اعزام‌شان به قریه باغ در حال تشدید بود. با ادامه این روند امتیازگیری مسکو از طرف سخت‌تر می‌شد بنابراین در بهترین زمان توافق ایجاد صلح به امضا رسید تا طرح‌های ائتلاف تاکتیکی علی‌اف با ترکیه و رژیم صهیونیستی به بن‌بست برسد. اگر در آینده این ائتلاف قصد اقدامی را داشته باشد قطعاً با قاطعیت بیشتری از سوی ایران و روسیه روبرو خواهد شد زیرا دیگر بهانه‌ای برای ایجاد درگیری وجود ندارد. از الان به بعد توپ در زمین علی‌اف است و در صورت آتش افروزی و تلاش برای برهم‌زدن ثبات در قفقاز، تغییر ژئوپلیتیک و تثبیت تکفیری‌ها تبعاتی غیرقابل پیش‌بینی دامنگیر وی و تیمش خواهد شد.

آنچه طی ماه‌ها در منطقه قریه باغ رخ داد به طرح ائتلاف سه‌جانبه بین دولت علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان، ترکیه و رژیم صهیونیستی مرتبط بود. نخستین فاز درگیری‌های قفقاز طبق این طرح به صورت آزمایشی در تیرماه صورت گرفت که به آتش‌بس انجامید. با وجود این آتش‌بس درگیری مجدداً در دسامبر مهرماه برافروخته شد. ایهام بزرگی که در موضوع درگیری قریه باغ وجود دارد به توافقات صورت گرفته پیشین در پای مذاکرات مربوط است. براساس این مذاکرات که با حضور مسئولان دو کشور صورت گرفته و آخرین مورد آن به یک‌سال پیش برمی‌گردد، قرار بود طرف ارمنستانی سرزمین‌های اشغالی حتی در سمت غرب مناطق ارمنی نشین قریه باغ را نیز به آذربایجان تحویل دهد. اگر باکو وارد فاز نظامی نیز نمی‌شد گفت‌وگوهای صلح در حال رسیدن به نتیجه بودند. به‌ویژه آنکه روسیه طرحی در نظر داشت تا با توجه به مخاطرات بین‌المللی، ثبات در قفقاز را بادوام کند. اما دولت علی‌اف با هدایت ترکیه و رژیم صهیونیستی و استفاده از شرایط خاص ارمنستان، فرصت را غنیمت شمرده و وارد درگیری نظامی با این کشور شد. ضعف ارمنستان که در این برهه مورد استفاده آذربایجان قرار گرفت ناشی از قدرت‌گیری «نیکول پاشینیان» در این کشور بود. پاشینیان در سال ۲۰۱۸ و در جریان یک انقلاب رنگی موفق شد حکومت «سرژ سرکسیسیان» را سرنگون کرده و با در دست گرفتن دولت همه‌نگاه‌های ارمنستان را به سمت غرب معطوف کند. در جریان اعتراضات سال ۲۰۱۸ ارمنستان معترضان شعارهای ضد روسی سر داده و پاشینیان به کمک این شعارها و اقدامات عوام‌فریبانه به صدایی نخست‌وزیری رسید. وی هنگامی که به قدرت رسید روابط نزدیک میان ارمنستان و روسیه را کاهش داد و کشورش را به پایگاهی برای غرب تبدیل کرد. در دوره‌ای که حکومت پاشینیان وزیر امور خارجه آمریکا به ارمنستان سفر و حتی از منطقه قریه باغ نیز بازدید کرد؛ و واشنگتن تسهیلاتی برای ویزا و سفر ساکنان جمهوری خودخوانده آرتساخ به آمریکا در نظر گرفت و تعدادی از ایالت‌های آمریکا نیز استقلال این جمهوری خودخوانده را به رسمیت شناختند. چراغ سبزه‌های آمریکا به ارمنستان مسئولان این کشور را به تحلیلی اشتباه رساند که هم اکنون در حال مشاهده اثرات و تبعات سنگین آن هستند. آمریکایی‌ها در جریان درگیری نظامی با آذربایجان هیچ کمک‌هایی به ارمنستان نکردند و روسیه نیز حمایت کاملی از این کشور انجام نداد تا مسئولان آن بدانند باید به جایگاه سنتی خود بازگردند.

باید در نظر داشت ترکیه و رژیم صهیونیستی دو برنامه مهم در منطقه داشتند که رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در سخنان خود به آنها اشاره کردند، یعنی تغییر ژئوپلیتیک منطقه و انتقال گروه‌های تکفیری. منطقه حائل میان سرزمین اصلی آذربایجان و نخجوان مرز ۶۵ کیلومتری ارمنستان با ایران است که اشغال آن یکی از اهداف انتقال تکفیری‌ها به منطقه بود. اعزام گروه‌های تکفیری توسط ترکیه به منطقه زمانی صورت گرفت که این کشور به طور غیرقانونی مانوری نظامی در نخجوان برگزار و حضورش را در آنجا تثبیت کرد. حضور نظامی ترکیه در نخجوان در حالی است که بنابر توافقات و کنوانسیون‌های بین‌المللی نباید نیروی نظامی خارجی در نخجوان مستقر شود. برنامه ترکیه این بود که با کمک نیروهای تکفیری در خاک ارمنستان به عرض ۶۵ کیلومتر از سمت مرز نخجوان تا آذربایجان و طولی نامشخص، پیشروی کنند و با اشغال بخش‌های جنوبی خاک ارمنستان، ارتباط قطع شده میان

### انا لله و انا الیه راجعون

درگذشت نابهنگام فرهیخته و متفکر گرانقدر حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر داود فیرحی موجب تأسف و تالم گردید. مسلمانان تلاش‌ها، مهارت‌ها و آثار علمی ارزشمند به جای مانده از این استاد پژوهشگر عرصه حوزه و دانشگاه به یادگار می‌ماند و مطمئناً چراغ هدایتگری برای پژوهشگران و محققان دینی و علوم انسانی خواهد بود.

اینجانب این ضایعه را به جامعه دانشگاهی به‌ویژه همکاران و دانشجویان این عزیز سفر کرده، تسلیت گفته و از درگاه خداوند رحمان و غفار برای آن فقید سعید، رحمت و مغفرت و برای بازماندگان داغدار ایشان صبر و سلامتی مسالت دارم.

محمد مهدی طهرانچی  
رئیس دانشگاه آزاد اسلامی